

بررسی نقوش گیاهی مشترک در آثار منقوش حسنلو، زیویه، قلاچی، ربط ۲ و ارتباط آنها با هنر آشور

کژال درویش منش*

کارشناسی ارشد صنایع دستی، گرایش پژوهش هنرهای سنتی، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۱۰/۲۹، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۲/۸)

چکیده

آثار منقوش دوران باستان می‌توانند سندی برای بررسی افکار و ارتباطات هنری و فرهنگی تمدن‌های گذشته باشند. مناطق حسنلو، زیویه، قلاچی و ربط ۲، متعلق به دوران ماننایی هستند. تعداد زیادی آثار منقوش از این مناطق به دست آمده که در آنها، «نقش» به عنوان عنصری جهت تزیین یا برای نمایش مفاهیمی خاص به کار رفته است. این مناطق با قرار گرفتن در یک ناحیه‌ی همجوار، دارای نقوشی با مضامین مشترک و مشابه هستند که تأثیرات و تبادلات فرهنگی را نشان می‌دهند. یکی از انواع این نقوش مشترک، نقوش گیاهی هستند. در این مقاله، مسئله‌ی تحقیق این است که نقوش مشترک گیاهی در آثار هنری مناطق ماننایی کدام نقش‌ها هستند؟ و آیا این نقوش ارتباطی با هنر آشور دارند؟ بنابراین مقاله در پی آن است با یافتن نقوش گیاهی مشترک در آثار ماننایی و بررسی آنها به صورت تطبیقی - تشابهی، به بررسی همان نقوش در هنر آشور نیز بپردازد. نقوش «لوتوس» و «درخت زندگی»، نقوش مشترک گیاهی در این مناطق هستند. برخی از این نقوش با نمونه‌ی آشوری شباهت دارند و در برخی نقوش، تغییراتی مشاهده می‌شود. این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نمونه‌های موجود در موزه‌ها، با روش توصیفی - تحلیلی به مقایسه و بررسی نقوش پرداخته است.

واژه‌های کلیدی

نقوش گیاهی، حسنلو، زیویه، قلاچی، ماننایی، آشور.

مقدمه

دامنه‌ی کوه‌های زاگرس به دلیل وجود رودخانه‌ها، خاک مناسب و مراتع حاصل‌خیز، از دیرباز مکانی برای حضور و ایجاد تمدن‌های باستانی بوده‌است. از قدیمی‌ترین حکومت‌هایی که در اینجا حضور داشته‌اند، «ماننایی‌ها» هستند. ماننایی‌ها دولتی قدرتمند قبل از مادها بودند که به دلیل منافعی که داشتند، همواره مورد توجه و هجوم همسایه‌های غربی خود یعنی اوراتورها و آشوری‌ها بوده‌اند. مهم‌ترین آثار ماننایی‌ها از مناطق باستانی حسنلو، زیویه، قلاچی و ربط به دست آمده‌است. این مناطق به دلیل موقعیت جغرافیایی‌شان، پل ارتباطی بین مناطق مرکزی ایران با اوراتورها و آشوری‌ها بوده‌اند که این ارتباط را می‌توان در هنر و نقوش مورد استفاده مشاهده نمود. بررسی نقوش با مضامین مشترک در این مناطق که در نزدیکی هم و در یک دوره‌ی زمانی قرار گرفته‌اند، اهمیت ارتباط و تاثیرات نقوش از همدیگر را نشان می‌دهد و علاوه بر این، ما را در شناخت ارتباط هنری و فرهنگی دولت‌های ماننا و آشور یاری می‌دهد. در مورد نقوش و ویژگی‌های نقوش مناطق حسنلو، زیویه، قلاچی و ربط ۲، تحقیقاتی انجام گرفته‌است. در پژوهشی به نام «بررسی تطبیقی نمادهای تجسمی در هنر مارلیک، حسنلو و زیویه»، با تطبیق نقوش این سه منطقه، به شناخت بیشتر هنر این دوره در سه حوزه‌ی تمدن نامبرده،

پرداخته شده‌است. در پژوهشی دیگر با عنوان «بررسی نقوش و صحنه‌های تصویری در عاج‌های زیویه و حسنلو ۷۰۰ ق.م»، نقوش عاج‌های زیویه و حسنلو مورد بررسی قرار گرفته‌است. درباره‌ی نقوش ربط، کاوش‌های باستان‌شناسی توسط بهمن کارگر و رضا حیدری انجام گرفت و بر اساس یافته‌های آنان، پژوهشی به نام «مطالعه و توصیف آجرهای لعاب‌دار مکشوفه از سه فصل کاوش محوطه ربط» توسط علیرضا هژبری نوبری و ریحانه‌ی عقیفی انجام گرفته‌است که در آن به دسته‌بندی انواع آثار به دست آمده از ربط ۲ و بررسی نقوش آجرهای لعاب‌دار آن پرداخته شده‌است. در پژوهش‌های انجام‌شده، نقوش مناطق مورد بررسی به صورت جداگانه و دوبه‌دو مورد تحقیق قرار گرفته‌اند. بنابراین به دلیل نزدیکی این مناطق، مقارن‌بودن از لحاظ زمانی، تعلق داشتن به حوزه‌ی فرهنگی مشابه و حتی یکسان و ارتباط فرهنگی و هنری با آشور، ضرورت می‌یابد که نقوش مشترک گیاهی در هر چهار منطقه مورد بررسی قرار گیرند و با نمونه‌های آشوری مقایسه شوند. هدف از انجام این نوشتار، شناساندن نقوش با مضامین گیاهی مشترک و مشابه در آثار زیویه، قلاچی، ربط ۲ و آشور و مشخص ساختن وجوه اشتراک و شباهت‌ها و تاثیرات نقوش این مناطق بر همدیگر و ارتباط آنها با هنر آشور است.

ماننایی‌ها

پیش از ورود آریایی‌ها به ایران (در قرن ۹ پیش از میلاد)، در جنوب دریاچه‌ی ارومیه در محدوده‌ی مهاباد، نرده، اشنویه و حسنلو، اقوامی سکونت داشتند که در تاریخ به نام «مان» یا «ماننایی» شناخته شده‌اند (احسانی، ۱۳۸۲، ۳۹). در آغاز هزاره‌ی اول پیش از میلاد، ماننا، که در آن زمان یکی از کوچک‌ترین تشکیلات دولتی لولوبی و گوتی بوده، جدا از اتحادیه‌ی قبایلی وجود داشت (دیاکونوف، ۱۳۷۷، ۱۳۹ و ۱۴۰). دولت ماننا به ایالات زیر تقسیم می‌شد: ۱- سوریکاش (ناحیه‌ی سقرکنونی) ۲- مسی بخش بالای رود جغتو (زربنه رود) ۳- اوئیشدیش ساحل شرقی دریاچه‌ی ارومیه و غیره (همان، ۱۶۸). کشور ماننا بعدها از لحاظ فرهنگ و تمدن و اقتصاد، هسته‌ی پادشاهی ماد را در قرن ششم ق. م تشکیل داد (همان، ۱۳۹ و ۱۴۰).

ارتباط ماننایی‌ها و آشوری‌ها

آشوری‌ها همسایگان غربی دولت ماننا بودند که بارها به دولت ماننا حمله کردند. «دولت ماننا از قرن هشتم - ۷۹۹ - پیش از میلاد، بارها با آشور (در جنوب غربی این ناحیه) و اورارتو (در نزدیکی دریاچه‌ی وان) به مبارزه برخاست و در واقع مغلوب هیچ‌یک از دو

منطقه‌ی باستانی حسنلو

و برخی دیگر از هنر «قارص» در ترکیه و سکاهای تأثیر گرفته‌اند. اغلب باستان‌شناسان، گوناگونی اشیاء گنجینه‌ی زیویه را ناشی از برخورددهای اقوام مختلف در این دوره و این منطقه می‌دانند. گیرشمن، پس از جمع‌آوری اطلاعات لازم، اشیای گنجینه‌ی مورد بحث را به چند دسته‌ی متمایز تقسیم کرده است: اشیای آشوری، کارهای هنرمندان سکایی، اشیایی که در آن موضوع‌هایی مربوط به سکاهای و فنیقی‌ها دیده می‌شود و بالاخره اشیایی که کاملاً رنگ محلی دارند. گیرشمن معتقد است اشیاء اخیر، متعلق به هنرمندان مادی است که از ۶۰۶ تا ۵۵۰ ق.م ناحیه‌ی محل کشف، جزو قلمرو حکومت آنان بوده است. در واقع مادها در این ناحیه جانشین ماننایی‌ها شدند و هنر آنان نشانی از ماننایی‌ها دارد» (احسانی، ۱۳۸۲، ۴۸). دیاکونوف، گنجینه‌ی زیویه را ماننایی و ماد می‌داند و آن را به هنر آشوری و اورارتویی ربط می‌دهد و می‌گوید: «تزیینات، علائم دینی، موضوع‌ها، لباس‌ها و نقوش اشخاص، همه‌ی اینها وجوه مشترک فراوان با هنر آشوری و اورارتویی همزمان دارد» (دیاکونوف، ۱۳۷۷، ۳۷۴).

منطقه‌ی باستانی قلاچی

محوطه‌ی قلاچی در ۷ کیلومتری شمال شرقی شهرستان بوکان و در بخش مرکزی پادشاهی ماننا در جنوب دریاچه‌ی ارومیه قرار دارد (حسن زاده، ۱۳۹۰، ۷۱). «در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۴ خورشیدی، حفاری‌های غیرمجاز گسترده‌ای در تپه‌ی قلاچی انجام شد. در نتیجه‌ی این حفاریات، آجرهای لعاب‌دار کم نظیری کشف شد. در سال ۱۳۶۴، هیئتی به سرپرستی احسان یغمایی، تعداد زیادی آجر لعاب‌دار و کتیبه‌ی آرامی را کشف کردند. در نتیجه‌ی کاوش‌های یغمایی و بهمن کارگر، تعداد ۴۵۰ آجر لعاب‌دار به موزه‌ی ملی ایران انتقال داده شد» (حسن زاده، ۱۳۸۵، ۴۸).

بهمن کارگر، اهمیت قلاچی را این‌چنین بیان می‌کند: «قلاچی در بوکان را مرکز اولین پادشاهی قبل از ماد در ایران اعلام می‌کنیم» (حسن زاده، ۱۳۸۵، ۴۹). «تپه‌ی قلاچی، شامل یک طبقه‌ی فرهنگی متعلق به دوره‌ی مانناست و تاکنون سه لایه‌ی ساختمانی در آن تشخیص داده شده است» (کارگر، ۱۳۸۳، ۲۳۱). «کاوش در تپه‌ی قلاچی از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۵ به سرپرستی بهمن کارگر ادامه یافت. بررسی‌های کارگر حاکی از آن است که در داخل محوطه، تالار ستون‌داری با ابعاد ۱۹×۲۵ متر و مجموعه‌ای دیگر از فضاها‌ی معماری ظاهراً با کاربرد مذهبی به چشم می‌خورد. داخل این بنا با گل اخرا تزیین شده و برای تزیین نمای بیرون بنا از آجرهای لعاب‌دار استفاده کرده‌اند» (حسن زاده، ۱۳۸۵، ۴۲). مهم‌ترین آثار قلاچی، آجرهای لعاب‌دار منقوش هستند که در تزیین بنا استفاده شده‌اند. در این نقوش نشانه‌هایی از تأثیر هنر آشور و حسنلو در آن به چشم می‌خورد که در کنار سبک محلی در نقوش به کاررفته است.

دژ حسنلو در جنوب دریاچه‌ی ارومیه در نزدیکی شهر نقده قرار گرفته است. «از سال ۱۹۵۶م، هیئت حفاری آمریکایی از طرف موزه‌ی دانشگاه پنسیلوانیا و موزه‌ی متروپولیتن نیویورک به ریاست رابرت دایسون ماموریت یافت در مکان تاریخی حسنلو کاوش کند. قدیمی‌ترین آثاری که از حسنلو به دست آمده است، بنا بر نتایجی که باروش تجزیه کربن ۱۴ به دست آمده است، متعلق به ۶۰۰۰ سال پیش از میلاد است. قلعه‌ی مستحکم این مکان در حدود ۸۰۰ سال ق.م، احتمالاً به دست سربازان آشوری طعمه‌ی آتش شد و ویران گردید. در زیر دیوارهای ساختمان دوطبقه‌ای که در داخل حصارهای این قلعه قرار داشت و در نتیجه‌ی آتش‌سوزی روی هم ریخت، آثار بسیار گرانبهایی به دست آمد» (احسانی، ۱۳۸۲، ۳۰ و ۳۱).

از حسنلو، جام‌های طلا که مشهورترین آن «جام طلای حسنلو» است، آثار سفالی، مفرغی، آهنی و مهرهایی به دست آمده است. در نقوش این آثار، می‌توان تأثیرات مختلفی را از مناطق دیگر مشاهده نمود. «آثار حسنلو از یک سو به اشیای مکشوف در گورستان سیلک A و طبقه‌ی اول تپه گیان و گورستان سیلک B و از سوی دیگر با آثار مکشوف از نقاط مختلف آسیای صغیر به خصوص الیشر نزدیک می‌شود» (واندنبگ، ۱۳۷۹، ۱۱۵). «تأثیر هنر آشور را در نقوش درخت خرما، بزهای کوهی و نقوش ساغر نقره‌ای و تأثیر اسب‌های اورارتویی را در ریتون اسب حسنلو می‌توان مشاهده نمود» (پرادا، ۱۳۸۳، ۱۵۶ و ۱۶۹).

منطقه‌ی باستانی زیویه

زیویه در نزدیکی روستای زیویه در ۴۲ کیلومتری شرق سقز قرار گرفته است. «در سال ۱۹۴۷ میلادی، دهقانان این ناحیه در خرابه‌های ساختمانی قدیمی طشت مفرغی بزرگی به شکل تابوت یافتند که بر جدار خارجی آن، نقش مادها در حال آوردن هدایا دیده می‌شد» (احسانی، ۱۳۸۲، ۴۸). گنجینه‌ی زیویه شامل اشیای طلایی، نقره‌ای و سفالی و عاجی است. نظریات مختلفی درباره سبک‌های مورد استفاده در آثار زیویه بیان شده است. «خانم کنتور معتقد است که عاج‌های زیویه و کارهای فلزی، بیشتر در کانون‌های هم‌پیمان با آشور ساخته شده نه در گروه‌های متأثر و یا مختلط آشوری. او نفوذ سبک آشوری در زیویه را در ارتباط با اورارتوها می‌داند. بدین مفهوم که ارتباط زیویه با آشور مستقیم نبوده بلکه (نمونه‌ای مانند) پلاک زیویه به مانند بسیاری از اشیاء اورارتوها که در سرزمین اورارتویی‌ها و تحت تأثیر آشوری ساخته می‌شد، ساخته شده است» (ساعدموچشی، ۱۳۸۸، ۱۲۲). «گذار در سال ۱۹۵۰م، سه عنصر اصلی و عمده را در آثار زیویه معرفی کرد: ۱- ماننایی ۲- آشوری ۳- سکایی» (همان، ۱۲۲). «اشیاء مختلف این گنجینه از نظر هنری و فنی به یکدیگر شباهتی ندارند. برخی به سبک آشوری

منطقه‌ی باستانی رَبط ۲

مذکور، موضوع این بخش است. برخی از این نقوش در هر چهار منطقه و برخی دیگر در دو یا سه محوطه‌ی باستانی مورد بررسی، استفاده شده‌است. در ادامه، نمونه‌های نقوش در آثار آشوری مورد بررسی قرار گرفته‌است.

سابقه‌ی استفاده از گیاهان به هزاران سال قبل می‌رسد. انسان‌ها پس از گذراندن دوران شکار، دریافتند که علاوه بر گوشت، می‌توانند غذای خود را از گیاهان به دست آورند. بنابراین به فکر گرفتن بذر و تکثیر گیاهان به شیوه‌ی کاشت شدند. بدین ترتیب دوران کشاورزی در تاریخ و تمدن بشری آغاز شد. علاوه بر این، گیاهان به دلیل مصارف غذایی، دارویی، رنگ‌رزی، معماری، تأمین انرژی برای پختن و گرما، نخ و الیاف گیاهی همواره مورد توجه و استفاده‌ی انسان‌ها بوده‌اند. نقوش و نمادهای گیاهی که متأثر از همین گیاهان محیط زندگی بوده‌است، به عنوان یکی از عناصر تزئینی در دست‌ساخته‌های بشری نمود یافته‌است. گاهی وجود یک گیاه در زندگی انسان چنان اهمیتی می‌یافت که تا جایگاه گیاه مقدس و زندگی بخش صعود می‌کرد. در آثار این مناطق، نقش دو نوع گیاه مشترک هستند که شامل نقش «لوتوس» و نقش «درخت خرما و درخت زندگی» است. این دو گیاه جزو گیاهان مقدس در دنیای باستان بوده‌اند.

الف: لوتوس

نقش لوتوس و رزت به عنوان گیاهانی مقدس در هنرهای دوران باستان به دفعات مورد استفاده قرار گرفته‌است. لوتوس یا نیلوفر آبی، «هم در اسطوره و هنر مصری و هم هندی، گلبرگ‌هایش در حال شکفتگی، یک خدای آفریننده را نشان می‌دهد. از آنجا که در سپیده‌دم، باز و در هنگام غروب بسته می‌شود، به خورشید شباهت دارد. نیلوفر نشانه‌ی مصر علیا بود و در سرستون‌ها و نقوش مربوط به رع، خورشید- خدا تجلی یافته‌است» (هال، ۱۳۸۳، ۳۰۹ و ۳۱۰). «در سده‌ی هشتم پیش از میلاد، تصویر نیلوفر به فنیقیه و از آنجا به آشور و ایران انتقال یافت و در این سرزمین‌ها، گاه جانشین درخت مقدس شد» (همان، ۳۱۰).

با ورود نقش لوتوس به ایران، لوتوس به عنوان گیاهی مرتبط با خورشید، گیاه مقدس در آیین‌های میتراپرست و زردشتی شده‌است. در نمونه‌های مورد بررسی، گل لوتوس به سه شیوه طراحی شده‌است: گل لوتوس از زاویه‌ی دید کناری که به دو صورت غنچه و گل است

ربط در نزدیکی شهرستان سردشت در استان آذربایجان غربی قرار گرفته‌است. محوطه‌ی باستانی ربط، به دو قسمت ربط ۱ و ربط ۲ تقسیم می‌شود. «اولین مطالعات باستان‌شناختی در محوطه‌ی ربط به سال ۴۵-۱۳۴۴ باز می‌گردد. در آن زمان، بابک راد به عنوان کارشناس وقت برای اولین بار تپه‌ی شماره‌ی ۱ ربط را مورد بررسی قرار داد و آن را با تاریخ‌گذاری هزاره‌ی اول با شماره‌ی ۶۰۲ به ثبت رساند. سپس بهمن کارگر در سال ۱۳۶۴، این محل را مجدداً مورد بررسی قرار داده‌است» (هژبری نوبری و عقیفی، ۱۳۸۸، ۴۹). کارگر درباره‌ی محوطه‌ی ربط می‌نویسد: «تپه ربط ۲، با دژ سنگی کوهستانی از نوع استحفاظی محافظت می‌شد. از این محل، آجرهای ساده و انواع لعاب‌دار مشابه آجرهای قلاچی جمع‌آوری شده‌است» (کارگر، ۱۳۸۳، ۲۳۰). «کفه‌ی سنگ فرش نیز از دیگر آثار معماری محوطه بوده و عمدتاً با قلوه سنگ‌های رودخانه‌ای که به وفور در حاشیه‌ی رود زاب یافت می‌شوند، ساخته شده‌اند. این سنگ‌فرش‌ها از جوه بارز هنری و یکی از نشانه‌های متقن ذوق و نبوغ ساکنان این محل به شمار می‌روند. در مرکز سنگ‌فرش، سنگ گردی قرار دارد که تمامی دوایر تشکیل‌دهنده، حول آن قرار گرفته‌اند. سنگ‌های دیگر متناسب با این سنگ کانونی، به صورت عمودی و افقی قرار دارند؛ یعنی پس از یک ردیف سنگ‌چین عمودی، یک دور سنگ‌چین افقی وجود دارد» (حیدری، ۱۳۸۶، ۲۰۵). از دیگر مکشوفات کاوش‌های ربط ۲، گل میخ‌های سفالی هستند. «گل میخ‌ها می‌توان به دو دسته‌ی محدب و تخت تقسیم‌بندی نمود. در منطقه‌ی ربط هم همچون مناطق باستانی نامبرده، تاثیر مناطق مجاور را در آثار به دست‌آمده از آن می‌توان مشاهده نمود. با توجه به ماهیت تاریخی و محل قرارگیری محوطه‌ی ربط در حد فاصل دو امپراتوری آشور و اورارتو، تأثیر غیرقابل انکار این دو حکومت در محوطه‌ی ربط ۲، به وضوح دیده می‌شود» (هژبری نوبری و عقیفی، ۱۳۸۸، ۶۷).

نقوش مشترک گیاهی در طراحی نقوش زیویه، حسنلو، قلاچی و ربط ۲ و هنر آشور

بررسی نقش مایه‌های گیاهی مورد استفاده در مناطق باستانی

		
<p>تصویر ۳- گل رزت، ماده‌ای از جنس شیشه، دوره‌ی آشورمیان. ماخذ: http://www.britishmuseum.org/research/collection_online/collection, 369411</p>	<p>تصویر ۲- نقش لوتوس (رزت)، ماده‌ای از جنس شیشه، حسنلو، قرن ۹ قبل از میلاد. ماخذ: http://www.metmuseum.org/collect(tion/the-collection-online/search/325142)</p>	<p>تصویر ۱- نقش لوتوس بر روی تکه استخوان، حسنلو، قرن ۹ قبل از میلاد. ماخذ: http://www.metmuseum.org/collect(tion/the-collection-online/search/325759)</p>

به دست آمده است. این نقش، گل لوتوس را از زاویه دید جانبی نشان می‌دهد. در نمونه‌ی بعدی گل‌های لوتوس به صورت گرد و چندپیر است که بر روی قطعه‌ای از شیشه استفاده شده است و هفده پراس است (تصویر ۲). در تصویر ۳، نقش گل لوتوس را بر یک زینت لباس از ماده‌ای شیشه مانند متعلق به آشور می‌بینیم که شبیه تصویر ۲ است. تعداد گلبرگ‌ها در اینجا، شانزده عدد است.

نقش لوتوس در آثار زیویه

نقش گل لوتوس به سه شیوه در آثار زیویه نشان داده شده است: در تصویر ۴، نقش گل لوتوس و غنچه به صورت یک درمیان با یک بند منحنی شکل در انتهای شان، به هم وصل شده‌اند. تکرار این دو نقش حول زیور، همچون یک حاشیه‌ی تزئینی، آنرا آراسته است. در هنر آشور، طراحی گل و غنچه‌ی لوتوس به همین شیوه بر روی قطعه‌ای از عاج و سنگ فرش کاخ شمالی در نینوا استفاده شده است. در اینجا هم، گل‌ها و غنچه‌ها به صورت یک درمیان قرار گرفته‌اند و با همان بند منحنی در پایین، به هم وصل شده‌اند. در سنگفرش هم این طرح تزئینی، نقوش حاشیه را تشکیل داده است. تنها تفاوت مشهود در این است که گل‌ها در زیور زیویه به نسبت گل‌های آشور، گلبرگ‌های کمتری دارند (تصاویر ۵ و ۶).

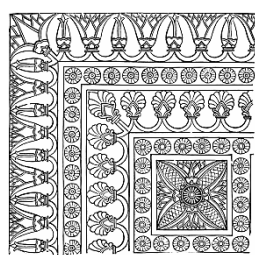
و گل لوتوسی که از زاویه دید بالا دیده می‌شود. این نوع لوتوس، یک گل گرد و چندپیر است و شامل گلبرگ‌هایی است که حول یک دایره‌ی کوچک قرار گرفته‌اند. در برخی منابع، به ویژه منابع تصویری، این گل «رُزت» نامیده شده است. «نقش نیلوفر آبی (رُزت) که با تعداد گلبرگ‌های مختلف در آثار دوره‌های مختلف دیده می‌شود. به عنوان مثال نقش گل نیلوفر آبی دوازده گلبرگی از چغازنبیل مربوط به دوره ایلام، نقش شانزده گلبرگی این گل در کاخ شوش از دوره هخامنشی، نقش هفده گلبرگی آن در آثار فلزی هزاره‌ی اول پیش از املش و غیره به دست آمده است» (سخن‌پرداز و مرآئی، ۱۳۸۸، ۶۴). «رُزت یک نقشمایه‌ی تزئینی متداول در خاور نزدیک باستان بوده است و با سیاره‌ی ونوس ارتباطی نزدیک دارد. تعداد زیادی از این نقش در دوره‌ی آشور میانی در معبد آشور دیده شده است. در دوره‌ی آشور نو، رُزت یک موضوع مرسوم تزئینی بر روی مچ‌بندها، رداهای سلطنتی و دهان بند اسب‌ها بود» (Blak and A Green, 1992, 156).

نقش لوتوس در آثار حسنلو

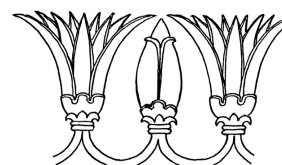
در آثار حسنلو، نقش لوتوس به دو شیوه‌ی گل از زاویه دید جانبی و گل گرد چندپیر طراحی شده است. تصویر ۱، نقش گل لوتوس است که بر روی استخوان حک شده و از حسنلو



تصویر ۴- نقش گل از دید جانبی و غنچه‌ی لوتوس در یک زیور، زیویه، قرن ۷ قبل از میلاد. ماخذ: (<http://www.metmuseum.org/collection/the-collection-online/search/324412>)



تصویر ۵- نقش گل و غنچه‌ی لوتوس بر سنگ‌فرش کاخ شمالی نینوا، دوره‌ی آشور. ماخذ: (<http://www.metmuseum.org/collection/the-collection-online/search/328745>) - طرح: <http://etc.usf.edu/clipart/keyword/assyrian-> (architecture)



تصویر ۶- نقش گل و غنچه‌ی لوتوس بر قطعه‌ای از عاج از دوره‌ی آشور نو، قرن ۹ و ۸ پیش از میلاد. ماخذ: (<http://metmuseum.org/collection/the-collection-online>)

هشت گلبرگ طراحی شده است. این گل‌ها به رنگ زرد نخودی و سفید هستند و بر زمینه‌ی آبی روشن قرار گرفته‌اند (تصویر ۹).

نقش لوتوس در ربط ۲

در ربط ۲، شیوه‌ی طراحی گل‌های لوتوس همانند زیویه است. در نمونه‌ی اول، نقش گل و غنچه‌ی لوتوس به صورت یک‌درمیان طراحی شده‌اند. در اینجا، گل‌ها به وسیله‌ی بند به هم وصل نیستند، بلکه حول یک شکل گرد چرخ مانند و یا شاید طرح گل گرد لوتوس قرار گرفته‌اند (تصویر ۱۰).

شیوه‌ی بعدی طراحی گل لوتوس در ربط ۲ را می‌توان بر روی گل‌میخ‌ها دید. این شیوه‌ی طراحی، هم بر روی گل‌میخ‌های محذب و هم گل‌میخ‌های تخت اجرا شده است. «بر سطح گل‌میخ‌های محذب، عموماً نقش گل هشت‌پر با لعاب سفید بر زمینه فیروزه‌ای و یا نقش گل هشت‌پر با لعاب زرد بر زمینه‌ی فیروزه‌ای تصویر شده است» (حیدری، ۱۳۸۶، ۲۱۰). «سطح رویی گل‌میخ‌های تخت با نقش گل‌های هشت‌پر و شانزده‌پر تزئین شده و گل‌ها با لعاب یک در میان سفید و فیروزه‌ای و یا زرد و فیروزه لعابدهی شده‌اند. در برخی موارد حتی قسمت کم

در شیوه‌ی دوم، طراحی لوتوس به صورت نقش رزت بر روی یک قطعه عاج به دست آمده از زیویه استفاده شده است. بر روی قطعه عاج، نقش لوتوس شانزده‌پر در میان شیرهای بالدار با سر انسان قرار گرفته‌اند. در اینجا، شیرها یک دست‌شان را برگل قرارداده‌اند و سرشان رابه عقب برگردانده‌اند (تصویر ۷).

نوع سوم طراحی گل لوتوس در آثار زیویه، گلبرگ‌هایی است که برشانه‌ی ظروف سفالی، طراحی شده و اگر از بالا به ظرف بنگریم، آن را مشاهده می‌کنیم. علاوه بر این، بر بدنه‌ی این ظروف هم نقش لوتوس کشیده شده که گاهی در میان دوجانور به عنوان گیاه مقدس قرار گرفته است. ایدت پرادا معتقد است «نقش لوتوس‌ها برشانه‌ی ظروف زیویه، به وسیله‌ی صنعتگران فنیقی و سوری‌های و ساخته‌های آنها از هنر مصر وارد ایران شده است چرا که تاجی از گلبرگ نیلوفر بر شانه‌ی سفال زیویه در کارهای ظریف تر روی ظروف مصری دیده شده است» (پرادا، ۱۳۸۳، ۱۸۳) (تصویر ۸).

نقش لوتوس در تپه قلاچی

در یک نمونه از آجرهای قلاچی، گل‌های لوتوس با تعداد



تصویر ۷- نقش لوتوس چندپر بر روی قطعه عاجی از زیویه.

ماخذ: <http://www.metmuseum.org/collection/the-collection-online/search/324183>



تصویر ۹- نقش رزت در آجر لعاب‌دار قلاچی موزه ملی ایران. ماخذ: (یوسف‌زاده، ۱۳۹۰، ۷۶)



تصویر ۸- نقش لوتوس برشانه‌ی سفال زیویه قرن ۷ قبل از میلاد. ماخذ: (<http://www.metmuseum.org/collection/the-collection-online/search/324432>)



تصویر ۱۰- نقش غنچه و گل لوتوس در آجر ربط ۲. ماخذ: (حیدری، ۱۳۸۷، ۵۸)، آجر شماره ۲؛ ماخذ: (هزبری نوبری و غفیفی، ۱۳۸۸، ۵۸)

است. زادگاه این نقش، میان رودان جنوبی (سومر) بوده و بعدها در هنر بابل، آشور، عیلام و مفرغ کاران لرستان، به عالی ترین شکل خود می رسد. درخت زندگی در دوران هخامنشی، پارتی، ساسانی و دوران اسلامی به اشکال گوناگون در دست ساخته های مختلف استفاده شده است» (افروغ، ۱۳۹۳، ۸۴).

قدیمی ترین منظومه ی مکتوب که در رابطه ی درخت و بز باقی مانده است، منظومه ی «درخت آسوریک» است که به زبان پهلوی اشکانی است. این منظومه مناظره بین درخت نخل و بز است. در این مناظره درخت نخل و بز هر کدام از توانایی های خود می گویند و آنها را به رخ دیگری می کشانند. اما در پایان بز به دلیل توانایی حرکت و جابه جایی پیروز مناظره است.

اگرچه این منظومه در دوره اشکانی مکتوب شده است، ولی این داستان از سده های قبل به صورت شفاهی وجود داشته است چنانکه ما تصاویر آن را در هنر مناطق باستانی حسنلو و زیویه می بینیم.

درخت نخل - درخت زندگی در آثار حسنلو

در حسنلو، نقش درخت خرما بر روی نمونه هایی از سفال و عاج ایجاد شده است. درختان نخل در دو نمونه ی مورد بررسی از حسنلو شبیه هم هستند و ساختار برگ هایشان مشابه هم است. در طراحی این درختان خرما، یک برگ قائم در میانه وجود دارد و دو یا سه برگ که به بیرون متمایل گشته اند، به صورت قرینه در دوسوی برگ میانی قرار گرفته اند. تعداد برگ ها هفت عدد هستند. تفاوت درختان نخل حسنلو با همدیگر، در طراحی و جهت ساقه های کوچک تری است که از تنه ی اصلی رویدهند. تصویر ۱۳، قطعه ی سفالی است که در موزه ی هنر متروپولیتن نگهداری می شود و نقش روی آن شامل درخت خرما و بزهایی است که بر روی پا بلند شده اند، نقش این درخت با اندکی تفاوت در جزئیات، همان نقش درختی است که بر روی قطعه ی شیشه مانند موزه ی ایران باستان تهران نقش بسته است. بر روی نمونه ی موزه ی ایران باستان، بزها روی پای خود ایستاده اند. سر بز به عقب برگشته و پشت سر خود را نگاه می کند. در سمت دیگر درخت، قسمتی از دست و پای یک بز دیگر را می بینیم که نشان

ضخامت دور تا دور گل میخ ها نیز با لعاب فیروزه ای لعاب دهی شده است» (حیدری، ۱۳۸۶، ۲۱۱). (تصویر ۱۱)

تصویر ۱۲ یک نمونه از گل میخ های سفالی دوره ی آشور نو متعلق به قرن ۸ قبل از میلاد است. این گل میخ از نوع محدب است و بر روی آن یک گل گرد هشت پر نقش بسته است. تعداد گلبرگ های گل میخ های ربط ۲ هم هشت عدد هستند. در نمونه ی آشوری گل چند پر با خطوط سیاه دورگیری شده اند و داخل شان با لعاب هایی به رنگ زرد نخودی، سیاه و سفید رنگ شده اند.

ب: نقش درخت نخل - درخت زندگی

نقشمایه ی گیاهی دیگری که در هنر این مناطق مشترک است، نقش درخت نخل - درخت مقدس (درخت زندگی) است. درخت مقدس یا درخت زندگی نقشی است که بارها در هنر میان رودان و هنر ایران باستان تکرار شده است و این به دلیل اهمیتی است که درخت در حیات انسان ها و جانوران داشته است. تاجایی که مقام درخت را تا جایگاهی مقدس و فرازمینی بالا برده اند و به آن عنوان «درخت زندگی» داده اند. «درخت در معنای کهن الگویی خود، دلالت دارد بر حیات کیهان، تداوم آن و رشد و تکثیر فرایندهای زایشی و باززایی. درخت نشانه حیات تمام نشدنی و بنابراین هم سان با فناپذیری است» (گرین، ۱۳۷۶، ۱۶۵). یک نوع از این درختان مقدس، «درخت نخل» است. «درخت نخل یک منبع غذایی مهم در بین النهرین باستان بوده است. و یکی از چندین درختی بود که در مراسم باروری در این منطقه به چشم می خورد.» (هال، ۱۳۸۳، ۳۰۷) «هرگز شاخ و برگ نخل نمی ریزد، دائماً سرسبز است. این نیرو و انسان رابه فکر انداخت که نخل نشانه ی درخور و مناسب برای پیروزی است» (کوپر، ۱۳۷۹، ۳۶۲). در نقش برجسته های بین النهرین، درخت خرما به عنوان درخت مقدس در بین دو جانور و یا دو کاهن قرار گرفته است. در تصاویر باستانی «درخت زندگی» میان دو راهب و کاهن یا دو جانور افسانه ای قرار دارد که نگهبانان درخت به شمار می روند. این نقش، نماد درخت کیهانی، تجدید حیات و نماد بی مرگی است. این درخت به ظاهر همان «درخت هوم» در دیانت زردشتی



تصویر ۱۲- نقش رزت بر گل میخ سفالی لعاب دار متعلق به دوره ی آشور نو، قرن ۹ پیش از میلاد.
ماخذ: (<http://www.metmuseum.org/collection/the-collection-online/> (search/324766)



تصویر ۱۱- نقش گل چند پر رزت بر گل میخ های سفالی محدب و تخت مکشوفه از ربط ۲.
ماخذ: (حیدری، ۱۳۸۶، ۲۱۰)

بیرون آمده‌اند و غنچه‌ای در نوکشان روئیده‌است (تصویر ۱۶).
 ج: در نمونه‌ی سوم از نخل‌های زیویه، درخت زندگی، شامل یک تنه‌ی اصلی است که برگ‌های بزرگ از آن روئیده‌اند و در بالا پنج درخت خرما‌ی کوچک همانند یک تاقی محراب مانند، درخت اصلی را احاطه کرده‌اند. از تنه‌ی اصلی این درخت، شاخه‌های افقی و موازی رو به سمت بیرون روئیده‌اند. این شاخه‌های افقی در وسط پیچ خورده‌اند و در انتهایشان، یک غنچه روئیده‌است (تصویر ۱۷). نمونه‌ی دیگر از درخت نخل در زیویه، درختی است که درمیانه‌ی دویزکوهی که بر روی پاهای خود ایستاده‌اند، نقش بسته‌است. در اینجا هم مانند تصویر ۱۷، پنج بوته‌ی کوچک درخت اصلی را همانند یک قاب احاطه شده کرده‌اند. شاخه‌های فرعی در اینجا هم، افقی، موازی و دارای غنچه‌هایی در انتها هستند و به صورت زیور و به هم بافته شده‌اند (تصویر ۱۸). پرادا این سبک طراحی درخت را آشوری می‌داند: «این درخت که در نقوش برجسته و مهرهای استوانه‌های دوران سارگون دوم به دست آمده‌است، مرکب از پیچک‌های غنچه‌داری است که در گروه‌های دو یا سه تایی به هم بافته شده‌اند» (پرادا، ۱۳۸۳، ۱۸۰).

می‌دهد بزی در آنجا واقع بوده‌است. در اینجا درخت خرما بر تپه‌ای کوچک روئیده‌است. در طول تنه‌اش دو گره دارد که ساقه‌های کوچک افقی از آنها روئیده‌اند. بزی، پا و دستانش را بر روی این ساقه‌های کوچک قرار داده‌است (تصویر ۱۴).

درخت نخل و درخت زندگی در آثار زیویه

در زیویه نقش درخت خرما به صورت منفرد و یا به عنوان درخت زندگی در بین دو جانور دیده می‌شود. طراحی درخت نخل در این آثار به سه گونه است:

الف: درخت نخلی که از تنه و بالای آن برگ‌های تکی به طور موازی در روبروی هم روئیده‌اند مانند تصویر ۱۵ که به عنوان «درخت زندگی» در دو سوی آن، گاودال تک شاخ به صورت زانورده دیده می‌شوند.

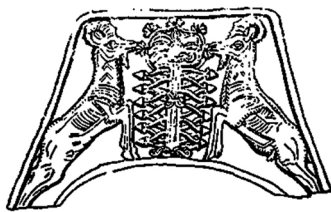
ب: در شیوه‌ی دوم طراحی درخت نخل، تمامی برگ‌ها بر بالای تنه‌ی درخت قرار گرفته‌اند. این گونه طراحی برگ‌ها بر روی تنه‌ی اصلی، شبیه درختان نخل حسنلوست. در این نوع درخت نخل، از دو سوی تنه‌ی درخت، شاخه‌هایی افقی و موازی از کناره‌ی تنه



تصویر ۱۴- نقش درخت نخل بر روی تکه‌ای از ماده‌ی شیشه‌مانند از حسنلو. ماخذ: (موزه‌ی ایران باستان)



تصویر ۱۵- درخت نخل بر روی قطعه سفالی، حسنلو قرن ۹ قبل از میلاد. ماخذ: (<http://www.metmuseum.org/collection/the-collection-online/search/326002>)



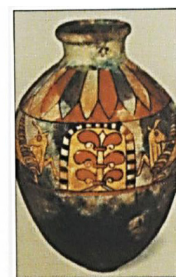
تصویر ۱۸- دویزکوهی در دوسوی درخت مقدس در پلاک عاجی از زیویه. ماخذ: (پرادا، ۱۳۸۳، ۱۸۱)



تصویر ۱۷- نقش درخت خرما درخت زندگی بر روی پلاک عاج زیویه. قرن ۷ ق. م.، موزه‌ی ملی ایران، عکس نجف علیزاده.



تصویر ۱۶- نقش درخت خرما بر روی تکه عاجی از زیویه. ماخذ: (<http://www.metmuseum.org/collection/the-collection-online/search/324190>)



تصویر ۱۵- نقش درخت مقدس خرما بر روی کوزه‌ی سفالی لعاب‌دار زیویه، قرن ۷ ق. م. ماخذ: (<http://www.metmuseum.org/collection/the-collection-online/search/324141>)

چیدمان برگ‌ها به همان شیوه‌ی تنه‌ی اصلی درختان نخلی است که پیش‌تر در حسنلو، زیویه و قلاچی مشاهده شد. از تنه‌ی اصلی، دو ساقه با دو غنچه‌ی کوچک روییده‌است و در پایین‌تر، دو درخت دیگر خرما به صورت قرینه با دو شاخه‌ی منحنی به درخت اصلی وصل شده‌اند. تعداد برگ‌های خرما، در اینجا نه عدد است و با لعاب‌های سفید و زرد رنگ شده‌اند (تصویر ۲۱).

درخت نخل - درخت زندگی در آشور

در یک نمونه از نقش برجسته‌های آشور، درختان نخل مقدس در میان نقوش انسانی نقش شده‌است. در تصویر ۲۲، طراحی برگ‌های درختان نخل مانند برگ‌های درختان حسنلو، زیویه، قلاچی و ربط ۲ است. اما ساختار کلی درخت نخل شبیه درخت نخل مقدس زیویه است و نشان می‌دهد درخت زیویه، بیشتر از جاهای دیگر متأثر از درختان آشور است. در اینجا میان دو نقش از شاه آشور نصیرپال دوم ایجاد شده است. در اینجا درخت اصلی دارای تنه‌ای قطور است و بر روی آن، برگ‌های بزرگ نه‌تایی نخل روییده‌اند. از تنه‌ی اصلی، شاخه‌های فرعی به صورت افقی بیرون آمده‌اند. برخی از شاخه‌های افقی در مسیر رویش خود یک پیچ دارند و برخی از شاخه‌ها مواج هستند که به صورت یک درمیان از تنه‌ی اصلی روییده‌اند. بر نوک این شاخه‌های افقی، بوته‌های کوچک نخل نقش بسته‌است. بر روی درخت نخل


نقش درخت نخل در قلاچی

در قلاچی برگ‌های خرما بر پایه ستونی سنگی به صورت برجسته، نقش شده‌اند. در نمونه‌ی قلاچی، برگ‌ها به همان شیوه‌ی حسنلو و زیویه طراحی شده‌اند. برگ میانی قائم است و برگ‌های کناری مایل هستند و تعدادشان هفت عدد هستند. این درختان همچون حاشیه‌ی گل‌های لوتوس که در تصویر ۴ مشاهده شد، با بندهایی کمان‌شکل در پایین، به هم وصل شده‌اند. در بالای این برگ‌ها، کمان‌هایی در کنار هم چیده شده‌اند که دورتادور پایه ستون را فراگرفته‌اند (تصویر ۱۹). شیوه‌ی اجرای این بندهای کمان شکل همانند نقوشی است که در پایه ستونی از نینوا اجرا شده‌است (تصویر ۲۰). «طرح‌های تزئینی به کاررفته در پایه ستون قلاچی بوکان و وجود نمونه‌های آشوری، تعلق این یافته را به عصر آهن III مطرح می‌سازد. محوطه‌های عصر آهن شمال غرب ایران با معماری ستون‌دار شامل حسنلو، قلاچی، زیویه، نوشیجان، گودین، باباجان و موارد دیگر است» (ملازاده، ۱۳۹۱، ۷۶).

درخت نخل و درخت زندگی در ربط ۲

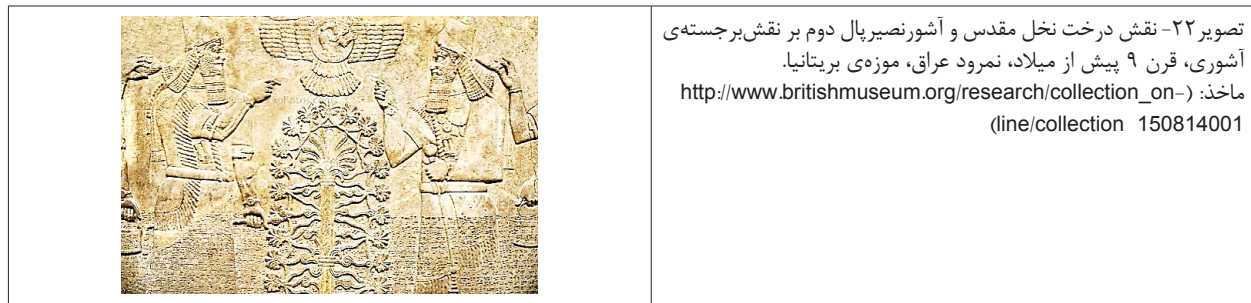
در ربط ۲، نقش درخت نخل به صورت درخت زندگی را بر یک نمونه آجر لعاب‌دار کنگره‌ای شکل می‌بینیم. بر روی این آجر، درخت نخل میانی تا بالاترین قسمت کنگره پیش رفته‌است.

		
<p>تصویر ۲۰- پایه ستون آشوری از نینوا، قرن هشت پیش از میلاد. ماخذ: http://www.britishmuseum.org/research/collec tion 91989 و (ملازاده، ۱۳۹۱، ۷۸)</p>	<p>تصویر ۱۹- نقش نخل بر پایه ستونی از قلاچی بوکان. ماخذ: (ملازاده، ۱۳۹۱، ۷۵)</p>	

	
<p>تصویر ۲۱- نقش درخت زندگی در آجر ربط ۲. ماخذ: (حیدری، ۱۳۸۷)</p>	

پیش از میلاد) قرار دارد» (هال، ۱۳۸۳، ۳۰۷). علاوه بر این، کمان محراب مانند می تواند مانند یک سایه بان، نماد محافظت درخت خرما اصلی باشد و با مفاهیم مقدس محراب ارتباط داشته باشد.

اصلی، شاخه های درهم تابیده، نقشی محراب مانند با بوته های کوچک نخل را تشکیل داده اند. «بر فراز درخت مقدس، به عنوان نماد باروری، تاجی از نقشمایه ی نخل (دوره ی آشور نو-سده ی هفتم



جدول ۱- مقایسه ی نقوش گیاهی مشترک در هنر حسنلو، زیویه، قلابچی، ربط ۲ و آشور-الف: نقش لوتوس از دید جانبی.

توضیحات: در نمونه های مورد بررسی نقش لوتوس از زاویه ی دید جانبی در تمامی مناطق به جز قلابچی کاربرد داشته است. در مناطق زیویه، ربط ۲ و آشور نقش گل و غنچه صورت یک درمیان کشیده شده اند.

حسنلو	زیویه	قلابچی	ربط ۲	آشور
		-		
نقش لوتوس بر روی تکه استخوان حسنلو، قرن ۹ قبل از میلاد. ماخذ: http://www.metmuseum.org/collection/the-collection-online/search	نقش گل و غنچه ی لوتوس در یک زیور زیویه، قرن ۷ قبل از میلاد. ماخذ: http://www.metmuseum.org/collection/the-collection-online/search	-	نقش غنچه و گل لوتوس در آجر ربط ۲. ماخذ: (هزبری نوبری و عقیفی، ۱۳۸۸، ۵۸)	نقش گل و غنچه ی لوتوس بر قطعه ای از عاج از دوره ی آشور نو، قرن ۹ و ۸ پیش از میلاد. ماخذ: http://www.metmuseum.org/collection/the-collection-online

جدول ۲- مقایسه ی نقوش گیاهی مشترک در هنر حسنلو، زیویه، قلابچی، ربط ۲ و آشور-ب: نقش رزت.

توضیحات: نقش لوتوس-رزت در تمامی مناطق کاربرد داشته است. تفاوت این نوع لوتوس در تعداد گلبرگ ها و تعداد دایره های مرکز گل است.

حسنلو	زیویه	قلابچی	ربط ۲	آشور
				
نقش لوتوس، مادهای از جنس شیشه حسنلو، قرن ۹ قبل از میلاد. ماخذ: http://www.metmuseum.org/collection/the-collection-online/search	نقش لوتوس بر روی قطعه عاجی از زیویه. ماخذ: http://www.metmuseum.org/collection/the-collection-online/search	نقش گل لوتوس آجر لعاب دار قلابچی، موزه ملی ایران. ماخذ: (یوسف زاده، ۱۳۹۰، ۷۶)	نقش گل چندپر لوتوس بر گل میخ های سفالی تخت، ربط ۲. ماخذ: (حیدری، ۱۳۸۶، ۲۱۱)	نقش لوتوس بر گل میخ سفالی لعاب دار متعلق به دوره ی آشور نو، قرن ۹ پیش از میلاد، موزه ی متروپولیتن نیویورک. ماخذ: http://www.metmuseum.org/collection/the-collection-online/search

جدول ۳- مقایسه‌ی نقوش گیاهی مشترک در هنر حسنلو، زیویه، قلاچی، رباط ۲ و آشور - پ: نقش درخت زندگی - درخت نخل.					
زیویه			حسنلو		
					
درخت مقدس - نخل در پلاک عاجی از زیویه مجموعه‌ی w.abbege برن. ماخذ: (پرادا، ۱۳۸۳، ۱۸۱)	نقش درخت نخل درخت زندگی بر روی پلاک عاج زیویه، قرن ۷ ق.م. ماخذ: (موزه‌ی ملی ایران، عکس: نجف علیزاده)	نقش درخت نخل بر روی تکه عاجی از زیویه. ماخذ: (http://www.metmuseum.org/collection/the-collection-online/search)	درخت مقدس نخل کوزه‌ی سفالی لعاب‌دار زیویه، قرن ۷ ق.م. ماخذ: (موزه‌ی متروپولیتن نیویورک)	نقش درخت نخل بر روی تکه‌ای از ماده‌ی شیشه‌مانند از حسنلو (موزه‌ی ایران باستان)	درخت نخل بر روی قطعه سفالی، حسنلو، قرن ۹ قبل از میلاد. ماخذ: (موزه‌ی متروپولیتن نیویورک)
آشور		رباط ۲		قلاچی	
					
نقش درخت نخل مقدس و آشور نصیر پال دوم بر نقش برجسته‌ی آشوری، قرن ۹ پیش از میلاد، نمرود عراق، موزه‌ی بریتانیا.		نقش درخت نخل (درخت زندگی) در آجر رباط ۲. ماخذ: (حیدری، ۱۳۸۷)		نقش برگ نخل بر پایه ستونی از قلاچی بوکان. ماخذ: (ملازاده، ۱۳۹۱، ۷۵)	

نتیجه

مناطق حسنلو، زیویه، قلاچی و رباط ۲، از مناطق مهم باستانی دوره‌ی ماننایی واقع در شمال غرب ایران در هزاره‌ی اول پیش از میلاد هستند. از این مناطق، آثار منقوش گوناگونی به دست آمده‌است که تعدادی از آنها هم از نظر مضامین و هم از جهت طراحی باهم شبیه هستند. یکی از مضامین مشترک در نقوش این مناطق، نقوش گیاهی هستند. با بررسی نقوش گیاهی در نمونه‌های مورد پژوهش، این نتیجه به دست آمد که هم‌جواری و هم‌زمانی با دولت آشور در طی جنگ‌های بین دولت‌های ماننایی و آشوری و ارتباطات سیاسی و تبادلات فرهنگی آنان با همدیگر، باعث ایجاد نقوشی با مضامین و طراحی مشترک و مشابه شده‌است. در میان نقوش گیاهی، نقش «لوتوس-رزت» و نقش «درخت نخل-

درخت زندگی» در تمامی مناطق مشترک بوده‌است. نقوش لوتوس و درخت نخل به عنوان دو گیاه مقدس، اهمیتی فراتر از یک عنصر تزئینی داشته‌اند و کاربرد آنها جهت بیان مفاهیم معنوی و باورهای آن دوران بوده‌است. حضور این گیاهان مقدس مشترک در آثار هنری این مناطق نشان می‌دهد که علاوه بر اشتراکات ظاهری نقوش به عنوان یک عنصر تزئینی، مردمان آن دوران در مناطق شمال غربی ایران و میان‌رودان، دارای باورهای مشترکی هم بوده‌اند و این دو گیاه را مقدس می‌دانسته‌اند. تاثیر هنر آشور در نقوش نمونه‌های مختلف، متفاوت است؛ به عنوان مثال نقش گل و غنچه‌ی لوتوس از دید جانبی بر زیوری از زیویه، متأثر از همین نقش بر قطعه‌ای از عاج از دوره‌ی آشور نو

درختان زیویه شباهت بیشتری با درختان نخل آشوری دارند. علاوه بر این، مناطق مذکور به دلیل موقعیت جغرافیایی شان، پل ارتباطی بین مناطق مرکزی ایران با اوراتورها و آشوری ها بوده اند که این ارتباط را می توان در هنر و نقوش مورد استفاده مشاهده نمود. چنانکه نمود و کاربرد این نقوش گیاهی به عنوان گیاهان مقدس در دوره های بعدی هنر ایران هم تداوم داشته است.

است و شباهت بیشتری با نمونه های آشوری دارد. در برخی نمونه ها مانند گل میخ های سفالی به دست آمده از ربط ۲، این تاثیر را در فرم کلی گل میخ می توان مشاهده نمود. در بعضی نمونه ها هم مانند نقش درختان مقدس زیویه بر روی پلاک های عاج، طراحی کلی نقوش، متأثر از نقش آشوری است ولی می توان تغییراتی را در جزئیات نقوش مشاهده نمود. در میان نقوش درختان نخل،

فهرست منابع

- فصلنامه ی نگره، شماره ۱۳، صص ۶۸-۵۳.
کارگر، بهمن (۱۳۸۴)، گزارش مقدماتی نخستین فصل کاوش تپه ربط ۲، شهرستان سردشت، آرشیو میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری آذربایجان غربی.
کوپر، جین (۱۳۷۹)، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ی ملیحه کرباسیان، نشر فرشاد، تهران.
گرین، ویلفرد و دیگران (۱۳۷۶)، مبانی نقد ادبی، ترجمه ی فرزانه طاهری، نشر نیلوفر، تهران.
ملازاده، کاظم (۱۳۹۱)، معرفی، مطالعه و تاریخ گذاری پایه ستون تزیینی مکشوفه از منطقه ی بوکان، پژوهش های ایران شناسی، سال دوم، شماره ۲، صص ۸۸-۷۳.
هال، جیمز (۱۳۸۳)، فرهنگ نگاره های نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه ی رقیه بهزادی، نشر فرهنگ معاصر، چاپ دوم، تهران.
هژبری نویری، علیرضا و ریحانه عقیقی (۱۳۸۸)، مطالعه و توصیف آجرهای لعاب دار مکشوفه از سه فصل کاوش محوطه ی ربط ۲، نشریه پیام باستان شناسی، سال ششم، شماره ی یازدهم، صص ۶۸-۴۷.
واندنبرگ، لوئی (۱۳۷۹)، باستان شناسی ایران باستان، ترجمه ی عیسی بهنام، موسسه ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
Black, Jeremy and Green, Anthony (1992); *Gods, Demons and Symbols of Ancient Mesopotamia an Illustrated Dictionary*, University of Texas Press, Texas.
<http://www.metmuseum.org/collection/the-collection-online/search>
<https://www.britishmuseum.org/research/collection-online.aspx>
<http://etc.usf.edu/clipart/keyword/assyrian-architecture>
<http://www.iranatlas.info/regional/prehistoric/hasanlu/mannai.htm>

- احسانی، محمدتقی (۱۳۸۲)، هفت هزار سال هنر فلزکاری در ایران، چاپ دوم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
افروغ، محمد (۱۳۹۲)، نماد و نشانه شناسی در فرش ایران، انتشارات میردشتی، تهران.
پرادا، ایدت (۱۳۸۳)، هنر ایران باستان، ترجمه ی یوسف مجیدزاده، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
حسن زاده، سعید (۱۳۹۰)، آجرهای لعاب دار قلایچی از دیدگاه تجسمی، نشریه نقشمایه، سال چهارم، شماره ی هفتم، صص ۸۰-۷۱.
حسن زاده، یوسف (۱۳۸۵)، تحلیل آماری بقایای معماری محوطه ی ماننای قلایچی، پژوهش های باستان شناسی و مطالعات میان رشته ای، شماره ی ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۵، صص ۵۶-۴۸.
حیدری، رضا (۱۳۸۷)، گزارش مقدماتی سومین فصل کاوش تپه ی ربط ۲ شهرستان سردشت، آذربایجان غربی، آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری صنایع دستی آذربایجان غربی.
حیدری، رضا (۱۳۸۶)، نتایج دومین فصل پژوهش های باستان شناسی در محوطه ی باستانی ربط سردشت آبان ودی در سال ۱۳۸۵، گزارش های باستان شناسی ۷، جلد اول، مجموعه مقالات نهمین گردهمایی سالانه ی باستان شناسی ایران پژوهشکده ی باستان شناسی، صص ۲۳۰-۲۱۰.
دیاکونوف، ایگور میخائیلوویچ (۱۳۷۷)، تاریخ ماد، ترجمه ی کریم کشاورز، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
ساعدموچشی، امیر (۱۳۸۸)، ارزیابی مجدد گاهنگاری آثار زیویه، مطالعات باستان شناسی، دوره ی ۱، شماره دو، صص ۱۴۱-۱۲۱.
سجادی، امیر (۱۳۹۰)، جغرافیای تاریخی زیویه با تاکید بر دوره ی ماد، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ی ۱۶۳، صص ۴۸-۴۴.
سخن پرداز، کامران و محسن مراثی (۱۳۸۸)، بازتاب هنر ایران باستان در تزیینات وابسته به معماری خانه امام جمعه و خانه منسوب به امیر کبیر،